

# بی پروائی آمریکا در تسلط بر ایران

امیرفیض- حقوقدان

در پایان تحریر، (نارسائی درتحمیل برجام مورخ ۲۰۱۶/۴/۱۵) <sup>۱</sup> سوالی مطرح شد که چرا وچه شده که آمریکا درتنظیم برجام و تحمیل آن به ایران درنهایت بی پروائی عمل کرده است، حتی وزیرخارجه آن کشور مانند شاخ شمساد درمرکز نیروی دریائی کشورش پرونده جاسوسی وخدماتی آقای صالحی رئیس انرژی اتمی ایران را بی ملاحظه برباد میدهد.

سمت این تحریر درمقوله ای است که بتوان تاحدودی به ابعاد و علت بی پروائی های آشکار آمریکائی ها درجریان مذاکرات هسته ای و برجام ودرنهایت درمسیرتسلط برایران نگاه کرد.

این تحریر تصورمیکند که گرچه ابعاد بی پروائی آمریکا درجریان تحریم ها، مذاکرات هسته ای و بالاخره برجام وجریان اجرائی آن بسیارمتنوع است ولی مبنا و علت آن دریکی دوامر محدود است

## جاده صاف

یکی از عللی که انسان درمسیری بااطمینان از مخاطرات احتمالی حرک میکند آگاهی قبلی ازمسطح بودن راه است، از امن بودن منطقه است که امنیت آن ازسوی نیروهای خودی محافظت میشود.

آمریکائی ها درمورد مذاکرات هسته ای وکسب توافقی های ژنو ولوزان درمسیری قرارداشتند که اطمینان بخش و خالی ازخلل و احتمالات بود. بشرح درتحریرات سابقه آمریکا ازرمان ورود مک فارلن با افرادی درایران آشنا شد که بعد ها بعنوان بهترین کارگشایان آمریکا درایران شناخته شدند و عنوان تافته جدا بافته به آن ها دادند. امید آمریکا به حل وفصل مشکلات با ایران آنهم به کم و کیفی که آمریکا راضی باشد با پیدایش آن افراد به تحقق نزدیک گردید و سبب یک تغییر ۱۸۰ درجه ای درسیاست آمریکا نسبت به ایران شد.

درسال ۱۳۸۲ مشاورانیت ملی آمریکا گفت: <درایران روشنفکرانی هستند که هرچه ما بگوئیم آنها عمل میکنند همانند تفنگ هرچه را اشاره کنیم نشانه میگیرند>. <sup>۲</sup>

تیم روحانی و ظریف و صالحی همان تیراندازانی هستند که هرچه آمریکا در رابطه با مسائل ایران بخواهد آنها نشانه گیری میکنند بنابراین موجبی نبود که آمریکا پاورچین پاورچین درمسئله هسته ای ایران حرکت کند. آمریکا بدنبال تیراندازان درجریان ایران حرکت میکرد که به تیراندازی و وفاداری آنها مطمئن بود.

<sup>۱</sup> - <http://1400years.org/AmirFeyz/TahmilBarjamNaresaiiChera-AmirFeyz-15Apr2016.pdf>

<sup>۲</sup> - نگاه کنید به کنگره همبستگی ایرانیان و شورای به اصطلاح ملی (تجزیه طلبان) و دیگر رادیو تلویزیون ها... ح-ک

فرق بین تفنگداران آمریکایی (روحانی و ظریف و صالحی) با کسانی که در سال ۱۳۸۲ مشاورانیت ملی آمریکا از آنها بعنوان تفنگداران نشانه گیر ایرانی یاد کرده این است که تفنگداران سال ۸۲ مانند تفنگداران امروزی صاحب مقامات موثرونافذ کشور نبودند و میتوان نام آنها را تفنگداران دست دوم و سوم گذاشت.

تیم تفنگداران آمریکا در ایران (روحانی و ظریف، عراقی و صالحی و دیگران) که علامت مشخصه آنها همان مذاکرات هسته ای و در نهایت برجام و توافقنامه ژنو است در مسیری قرار داشتند که نمیتوانستند هدف گیری آنها بوضعی که آمریکا خواهان آن است و یا تامین کننده منافع آمریکا باشد، ملاحظه کردنی نباشد لذا قید پرده پوشی را هم زدند و در عباراتی بی سابقه و غیر قابل تحلیل در رابطه با آمریکا اظهاراتی کردند که همه آنها از تراوشات همان هدف گیری برای منافع آمریکایی ها بود.

عبارت تشبیه آمریکا به کدخدای مهربان که میتوان با او کنار آمد و اظهارات روزهای نخست در کوچک و خوار شمردن مردم ایران و عظمت دادن به آمریکا بوسیله ظریف و بسیاری مطالب دیگر و متقابلاً حمایت آمریکا از تیم مزبور در حدی که آمریکا در اعلامه ای که جمهوری اسلامی را بمناسبت عدم رعایت حقوق بشر محکوم میکرد از روحانی تجلیل کرد، مسائلی بود که به دولت روحانی امکان داد که برخلاف واقع از برجام دفاعی بیشرمانه کند و برجام چیزی شد در عرض و هم سایه قرآن و همانطور که نقد قرآن جائز شناخته نشده نقد برجام هم بنا بر اعلام دولت و شورای نگهبان از محوطه نقد خارج شد و حتی کار به آنجا کشیده شد که نقد کنندگان برجام هم روبروی توبیخ و توقیف روزنامه شان قرار گرفتند.

دامنه حمایت سران حکومت جمهوری اسلامی از آمریکا و منافع آن کشور آنقدر دست آورد محکم و با ارزشی برای دولت مردان او باما بود که او باما به اعتبار همین تیم ایرانی حافظ منافع آمریکا، با کنگره آمریکا هم در افتاد.

در همین اظهارات اخیر او باما آمده است «ما توانستیم ایران که مارا شیطان بزرگ مینامید را خلع سلاح هسته ای کنیم و محلهای فعالیت آنها را برچینیم و امنیت جهانی را تامین کنیم این را میگویند شجاعت» (بنده در جواب میگویم بر خرسوار شدن شجاعت نیست شجاعت در بیرون کشیدن خراز گل است).

مقارن همین اظهارات آقای او باما؛ رئیس بانک مرکزی ایران هم گفت که ما از برجام چیزی عایدمان نشده است و این حقیقت تلخ را آقای کری هم در عبارت ایران در راستای توافق هسته ای فقط ۲ میلیارد از وجوه بلوکه شده اش را دریافت کرده نشان از همان پیروزی یکطرفه ای میدهد که آمریکایی ها به اعتبار حمایت روحانی و دولتش بدست آوردند یعنی ایران را خلع سلاح هسته ای کردند بدون اینکه هیچ عوضی داده باشند.

نقش روحانی در حمایت علنی از منافع آمریکا در ایران از حد و حدود کار سیاسی خارج و جنبه عاشق و معشوقی یافته است یعنی همانطور که عاشق در عشق ورزی ابائی از بی آبرویی خود ندارد روحانی هم در همان وضعیت در حمایت از برجام و آمریکا قرار گرفته است.

آنجا که میگوید «برجام مثل آفتاب روشن است» (۱۶ فروردین ۹۴) و آنجا که گفته است: «برجام از نظر ما تقریباً بطور کامل تمام شده چرا که ۵+۱ به تعهدات اصلی خود عمل کرده و تعامل ما با بانکهای خارجی آغاز شده و مسئله سوئیفت حل شده است» (همان تاریخ).

آیا واقعا همین طور است که روحانی و ظریف میگویند و حقیقت امری که بر جامعه مستولی شده همان است که روحانی میگوید؟ البته که خیر و البته که انسانی که یک جو دارای آبرو و حیثیت باشد محال است که مثل شاخ شمشاد در مقابل هزاران چشم و عقل این چنین دروغ بگوید ولی برای یک عاشق سینه چاک این عمل شدنی و معمولی است.

### عامل دوم حمایت ایرانیان خارج از کشور

عامل دیگر که موثری کامل در حرکت بی پروای آمریکا در تسلط بر خواسته‌هایش در جمهوری اسلامی است حمایت چشم بسته و همانگ نوکری و بردگی بخش عظیمی از ایرانیان خارج از آمریکاست اغلب ایرانیان مشخص در فعالیت های مطبوعاتی و یا سیاسی جیره خوار آمریکا و در خط دستورات آن کشور حرکت میکنند عده ای که قدری سابقه سیاسی و یا بهتراست گفته شود تجربه سیاسی دارند بستگی شان به سیاست آمریکا آشکار نیست و حتی از آمریکائی ها خواسته اند که تظاهر به کمک و حمایت از گروه های سیاسی ایرانی مخالف جمهوری اسلامی را ننمایند که این امر سبب بدنامی ایرانیان و اتهام جاسوسی خواهد شد ولی گروهی عظیم آشکارا بطور مطلق وابسته و با فرمان و خواست آمریکا حرکت های سیاسی خودشان را تطبیق میدهند؛ کافی است به رسانه های گروهی ایرانیان درلس آنجلس رجوع کنید؛ فریاد نوکری و بندگی آنها به آمریکا گوش خراش و نفرت انگیز است آنقدر رسوا کننده و نفرت انگیز است که خود آمریکائی ها به ایرانیان تذکر داده اند.

تمام سران گروگان گیران سفارت آمریکا در تهران مانند خونینها و اکبرگنجی ها در حمایت آمریکا و دارای زندگی مرفه و امنیت کامل در آمریکا هستند این عمل آمریکا که حتی برخلاف قانون و انتظارات مردم آن کشور است نه از بهر میهمان نوازی که از بهر مسلط بودن و سوار شدن بر ملت ایران است.

### زمینه سازی برای طرح های آمریکا در ایران

هر برنامه ای که آمریکا نسبت به ایران دارد قبلا زمینه آنرا همین ایرانیان خارج از کشور فراهم میسازند.

### نمونه های دم دست

← تحریم های اقتصادی علیه ایران - ابتدا ایرانیان خارج از کشور خواستار تحریم های سخت و سفت و سخت علیه ایران شدند و بعد که آمریکا تحریم هارا به جریان انداخت آقای اوپاما گفت: >تحریم ها به خواست ایرانیان برنامه ریزی شده است< و اکنون در شناسنامه سیاسی ایرانیان خارج کشور تحریم ها و تبعات آن به حساب ایرانیان خارج و زمینه سازی برای تحمیل تحریمها ثبت شده است.

← قبل از ریاست جمهوری شیخ حسن شوریایی تجزیه طلبان تشکیل و دود هدف را اشاعه داد یکی آشتی ملی و دیگری انتخابات آزاد. همان زمان ممکن است کسانی حیرت کرده باشند که چطور شده بعد از سی سال اپوزیسیون ب فکر آشتی ملی افتاده است! ممکن است برخی آنرا به حساب ناامیدی اپوزیسیون گذاشته باشند ولی دیدید که یکی از برنامه های شیخ حسن آشتی ملی و انتخابات آزاد بود یعنی همان اهدافی که شورای تجزیه طلبان زمینه ساز آن شده بود.

همین برنامه تجزیه ایران و خاورمیانه که از طرح های سیاست آمریکاست بوسیله شورای تجزیه طلبان، زمینه سازی شده است، درحالیکه مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلامی هیچ ربطی به خدشه دار ساختن استقلال و تمامیت ارضی ویا فدراتیو کردن کشور ندارد، مبارزه سیاسی اشغال کرسی های قدرت حکومت است نه تجزیه کشور! ولی شورا بمناسبت اینکه کارش زمینه سازی برای تحقق خواسته های آمریکاست بدون پروا بدون اعتنا به اعتراضات مفصل و مکرر ایرانیها کارش را ادامه میدهد.

تبدیل مبارزه با هدف براندازی جمهوری اسلامی به آشتی ملی و محکوم کردن هرکسی که صحبت از براندازی میکند چیزی است که دقیقا با سیاست تعامل و حفظ جمهوری اسلامی و تغییرات در ارکان آن مورد نظر آمریکاست.<sup>۳</sup>

نگاه کنید حتی یک مورد نمیتوان یافت که اپوزیسیون خارج از کشور در مقابل سیاست آمریکا چه نسبت به ایران و یادخالتهای دیگر مانند لیبی و سوریه و جاهای دیگر کوچکترین اعتراضی کرده باشند ویا حتی با اشاره از نقش دخالت آمریکا و کشورهای دیگر در براندازی نظام شاهنشاهی ایران انتقاد و آزدگی سیاسی خودشان را نشان داده باشند.

نگاه کنید به برنامه هسته ای و برجام حتی یک پایگاه سیاسی خارج از کشور در رابطه با مذاکرات هسته ای و در نهایت توافق ژنو و لوزان در خارج از کشور وجود ندارد که حتی به ظاهر حامی حقوق ایران در رابطه با مذاکرات هسته ای باشد وای کاش تنها پایگاهی نبود و برعکس سند سازی بنفع آمریکا و به زیان ایران هم از افتخارات آنهاست، یکی اینکه میفرمایند ایران نیازی به فعالیت های هسته ای ندارد چون نفت دارد و یکی هم که خیلی به خیال خودشان شاهکار کرده اند همان پیشنهاد قرار گرفتن دارائی های بلوکه شده ایران نزد کشورهای ۱+۵ است همین و همین.

یادتان باشد کسانی که اصرار در اصرار داشتند که اعلیحضرت یک هیئتی را سرپرستی بفرمایند که دورادور مذاکرات هسته ای را کنجاو باشد و در موارد لازم تذکر بدهد و نگذارد که منافع ایران پایمال گردد اعتنایی نشد، ولی میدانید چرا اعتنایی نشد، زیرا قرار نیست که ایرانیان خارج از کشور که زیر حمایت آمریکا و امر آمریکا قرار دارند موی دماغ آمریکا بشوند.

ما وقتی از آمریکا گواهی وطن پرستی میخواهیم، گواهی دمکرات بودن میخواهیم، صریح و قاطع اعلام میکنیم حتی معجزه هم نمیتواند مبارزه را بدون حمایت آمریکا به جانی برساند ووووو، دیگر اخلاقا نمیتوانیم موی دماغ آمریکا در آنچه راکه آن کشور در کشور ما هدف گرفته بشویم.

حتی یک اشاره سربسته از اپوزیسیون خارج از کشور نداریم که نسبت به حق ۲۵ ساله ای که برجام به آمریکائی هابرای نظارت بر ایران تحت عنوان راستی آزمائی داده اعتراض ویا از آن باتردید نیاز یاد کرده باشند. میدانید چرا زیرا این ۲۵ سال و اصولا برجام دستاورد آمریکائی

۳ - شوربختانه در گردهم آبی مسخره و ساختگی که بی بی سی توسط بهمن کلباسی در لس آنجلس راه می اندازد در همین راستا طراحی و برنامه ریزه شده بود و آن ۱۸-۲۰ تنی که حضور داشتند هرگز سخن از براندازی رژیم نداشته بلکه در تدارک راهکار هایی در ماهیت درونی رژیم اسلامی دور میزد. برخی هم بی پروا از سیاست کلی رژیم اسلامی طرفداری میکرد. ح-ک

بتنهائی نیست، دستاورد اپوزیسیون است که با فراهم ساختن زمینه مساعد برای آمریکا فراهم شده است و درنهایت اپوزیسیون سهم در خدمت خواهد داشت.

### مسیر بی مانع ، حمایت مطمئن

اکنون آمریکا در ایران برای تحقق آنچه که میخواهد بامانعی روبرو نیست:

سربازان آمریکا و اسرائیل که در سال ۸۸ در خیابانها برای آمریکا میجنگیدند اکنون در صندلی های مجلس اسلامی نشسته اند - خانمی عامل آمریکا و مامور جورج سوروس برای انقلاب رنگی سال ۸۸ اکنون عملاً قطب رهبری معنوی اصلاح طلبان (بخوانید هواداران آمریکا) را یافته است رهبر قانونی و سنتی و هویتی ایرانیان یعنی رضاشاه دوم در موقعیتی قرار گرفته اند که رهبران جانبداری از آمریکا در ایران بلا منازعه میدان داری میکنند.

آمریکا به این اوضاع و احوالی که در ایران پدید آورده و ایرانیان خارج از کشور زمینه ساز و عمله آن شده اند چرا در حرکت به سوی اهداف سیاسی خود احتیاط کند اگر کند احمق است. مسیری مانع و تیراندازان ایرانی برای آمریکا درسنگرهای مجلس اسلامی و در به اصطلاح اپوزیسیون برون مرز..

### آیا آمریکا موفق میشود

آیا آمریکا باز زمینه سازی های مساعدی که در ایران دارد آیا موفق میشود که تسلط مورد نظرش را بر ایرانیان تحمیل کند؟

### پاسخ چنین است

ایرانیان از قبل از اسلام تا به امروز سَری بوده اند یعنی از سر و آنکه در جامعه سراسر تبعیت کرده و میکنند (شاه سراسر ملت تن) در جامعه تشیع ایران مسئله رهبری و سر بودن تعلق به کسی دارد که مرجع اعظم است این باور و فلسفه تشیع وقتی در حاکمیت بر جامعه، جریان داشته باشد (حکومت اسلامی) تعلق به مرجع تقلید خواهد یافت که مقام ولایت فقیه را داراست.

آخوندهای ایران از کوچک و بزرگ با قاعده تبعیت از مراجع اعظم ولایت فقیه عادت شرعی و اخلاقی یافته اند و هیچ کدامشان از رفسنجانی و روحانی و خاتمی و دیگران در سلسله مراتب تشیع حاکم بر کشور ما هیچ مالی نیستند، مگر یادتان نیست که خاتمی با ۲۳ میلیون رای آمد و دانشجویان فریاد میکردند (خاتمی، خاتمی اقتدار، اقتدار) و هیچ اقتداری در مقابل خامنه ای نشان نداد؛ نه اینکه فکر کنید نمیخواست، خیر میخواست و آمریکا هم پشتش بود ولی به اعتبار عادت در سلسله مراتب مذهبی فاقد ظرفیت بود.

هنگامیکه برای اولین بار شیخ حسن روحانی عنوان امام را برای خمینی رسیمت داد نه از باب تعصب به خمینی بود بلکه بطور حتم برای جانداختن سلسله مراتب تشیع بود که معنای آن بیعت همه جانبه و انحصاری اهل تشیع با امام است و در غیاب او مجتهد اعظم و ولی مطلقه فقیه.

در قانون نخست ولایت فقیه، ذکری از ولایت مطلقه و نیز شرط مرجعیت برای ولی فقیه نبود ولی این شروط اضافه شد زیرا در سلسله مراتب رهبری در تشیع مرجعیت است و ولایت فقیه بدون مقام مرجعیت فاقد مقصود شرعی میشود.

تمام جانبداری نیروهای مسلح و سپاه و افراد موثر جمهوری اسلامی از خامنه ای به اعتبار همان تربیت مذهبی و آلوده به سلسله مراتب مذهبی است. همین روش و وابستگی اخلاق و روحی در فرهنگ ملی ایرانیان نسبت به پادشاه هم دیده میشود.<sup>۴</sup>

همین روحانی با آنکه سمت ریاست جمهوری را دارد ولی به ملاحظه سلسله مراتب مذهبی یک مرده است. نگاه کنید با وعده آزادی سران جنبش سبز آمد ولی عذر بدتر از گناه آورد؛ آنهم در حالیکه همو گفته است <نباید جناحی را که ۱۰ میلیون هوادار دارد نادیده گرفت> آخر کسانی که بدون محاکمه حصر خانگی شده اند وقتی رئیس جمهوری آن کشور نتواند که به این بی قانونی پایان دهد، نتواند پای حرفی را که درباره حجاب و یا مراتب دیگری میگوید ایستایی کند و بلافاصله از آن عدول مینماید این آدم در سلسله مراتب تشیع غرق است، یک سرباز است نه رئیس جمهور! کسی که نمیتواند کاری که در تکلیف قانونی اوست انجام دهد که رئیس جمهور شناخته نمیشود.<sup>۵</sup> همین چند روز قبل مردم در صحن سخنرانی نماینده روحانی فریاد میکردند (روحانی، روحانی بصیرت، بصیرت).

این فریادها از جانب گروهی بود که مانع سخنرانی نماینده روحانی میشدند و مقصود از بصیرت پیروی از خامنه ای است.

روحانی در یکی از سخنرانی هایش گفته است: <از تیتیر روزنامه هامیتوان فهمید که چه کسی فردا بازداشت میشود> این حرفی است که رئیس جمهور یک کشوری میزند نه یک مبارز سیاسی. اینها علامت مُردگی روحانی و غرق او در سلسله مراتب مذهبی است؛ در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم رئیس جمهور پس از انتخاب مردم با حکم خامنه ای واجد مشروعیت میشود یعنی رای مردم تشریفاتی است و حکم ولایت فقیه است که کسی رئیس جمهور میشود.



سلسله مراتب مذهبی و نقش ولایت فقیه در تشیع طوری است که هر آخوندی با عنوان آیت الله در جای خامنه ای قرارگیرد همان موقعیت رهبری او را کم و بیش خواهد داشت خاصه که قدرت مالی رهبری در تشیع بینهایت است و در جامعه تشیع همه چیز حتی جان مردم و مال مردم متعلق به ولی فقیه و نایب امام است.

<sup>۴</sup> - تاریخ ۳۰۰۰ ساله ایران نشان میدهد پس از تسلط اسلام به ایران، ایرانیان برای اینکه مسئله شاه و ملت را از دست ندهند «شیعه» را که در راس آن شخصی که از او تابعیت بکنند را بوجود آورده اند. ح-ک  
<sup>۵</sup> - هر کسی که نمی تواند تکلیف قانونی خود را که مسئولیت آنرا پذیرفته و در هنگامه تاریخ به انجام وظیفه قانونی سوگند هم خورده نمیتواند در مقام خود شناخته شود، بی اعتبار میشود. ح-ک

**نسخه کار**

درس تاریخ این است که برای پایان دادن به این سلسله مراتب و نظام رهبری در تشیع باید رهبری که خارج از سلسله مراتب مذهبی است از طریق اعمال قدرت فردی و سرکوب کامل آخوند خاصه مراتب آنها به قدرت برسد زیرا قدرت یکی از عواملی است که میتواند جایگزین سلسله مراتب مذهبی شده و خلاء قدرت را باگرایش طبیعی مردم ایران به قدرت پرکند.

**تکلیف مبارزه حکم میکند که این حقیقت باصدای بلند گفته شود که:**

**همه زمینه های لازم برای سرکوب سلسله مراتب رهبری تشیع در جامعه**

**ایرانی فراهم بوده است مشروعیت قانونی، مشروعیت دینی؛**

**مشروعیت سنتی و تاریخی، سابقه کهن تاریخی، قانون اساسی**

**مشروطیت، و دستاوردهای اقتصادی و رفاهی باشکوه دوران سلطنت**

**شاهنشاهان پهلوی - بیداری پشیمانی مردم، اما متأسفانه امانت دار این**

**حقوق تاریخی و قانونی و ملی همه آنها را با سرگرمی و بازی های**

**سیاسی بی مصرف و اتهام آور عوض کردند.**